





اقتصادِ خلاق

مفاهیم و تعاریف

جلد اول



رسول بیدرام

عضو هیئت علمی دانشگاه هنر اصفهان

هاجر ناصری اصفهانی



سرشناسه: بیدرام، رسول، ۱۳۵۵
عنوان و نام پدیدآور: اقتصاد خلاق: مفاهیم و تعاریف/ رسول
بیدرام، هاجر ناصری اصفهانی.
مشخصات نشر: تهران: انتشارات راه دان، ۱۴۰۰-
مشخصات ظاهری: ج.: مصور (رنگی)، جدول.
شابک: 1-68-6757-600-978 دوره:؛ 8-69-6757-600-978 ج. ۱.
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: کتاب حاضر با حمایت دفتر توسعه‌ی اقتصاد فرهنگ
و هنر معاونت توسعه‌ی مدیریت و منابع وزارت فرهنگ و ارشاد
اسلامی منتشر شده است.
یادداشت: کتابنامه.
موضوع: خلاقیت -- جنبه‌های اقتصادی
موضوع: Creative ability -- Economic aspects
موضوع: اقتصاد -- ایران -- آینده‌نگری
موضوع: Economic forecasting -- Iran
شناسه افزوده: ناصری اصفهانی، هاجر، ۱۳۶۱-
شناسه افزوده: ایران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. معاونت
توسعه مدیریت و منابع
رده بندی کنگره: HD۵۳/۲
رده بندی دیویی: ۳۰۵/۵
شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۵۶۸۶۸
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا
ویراستار: دکتر علی محمد محمودی
طراح گرافیک: مهدی امیریان- حسین غلامی



فهرست مطالب

۱۶. پیش‌گفتار

● فصل یک: ضرورت و اهمیت توسعه اقتصاد خلاق

۲۵. چرایی مطالعه اقتصاد خلاق

۲۶. نقش صنایع خلاق در توسعه

۳۰. تجارب جهانی در اقتصاد خلاق

۵۷. چگونگی جایگزینی اقتصاد خلاق به جای اقتصاد نفت

در ایران

۶۲. رديای اقتصاد خلاق در برنامه‌های فرادست

● فصل دوم: مروری بر ادبیات اقتصاد خلاق

۸۱. مفاهیم اقتصاد خلاق

۸۳. خلاقیت

۹۰. نوآوری

۹۴. تخریب خلاق

۹۶. هنر

۹۸. فرهنگ

۱۰۰. دانش

۱۰۶. اقتصاد فرهنگ و هنر

۱۰۷. صنایع فرهنگی - هنری

۱۱۱. اقتصاد دانش

۱۱۴. صنایع دانشی

۱۱۹. اقتصاد خلاق

۱۲۰. صنایع خلاق

۱۲۴. تاریخ عقاید اقتصاد خلاق

● فصل سوم: ارائه الگوی دسته بندی صنایع خلاق

۱۵۳. انواع دسته بندی های صنایع خلاق

۱۵۴. انواع دسته بندی های صنایع خلاق در مدل های بین المللی

۱۶۶. ارائه الگوی پیشنهادی دسته بندی صنایع خلاق

۱۷۸. مقایسه دسته بندی پیشنهادی با دسته بندی های بین المللی

۲۰۵. منابع

فهرست جدول ها

۳۱. جدول (۱). شاخص های رشد کشورهای پیشرو در توسعه صنایع خلاق

۴۰. جدول (۲). نتایج ضریب همبستگی پیرسن و اسپیرمن و معناداری بین متغیرها

۴۳. جدول (۳). دسته بندی گونه های صنایع خلاق در پنج کشور

۵۵. جدول (۴). اهم اهداف، راهبردها و سیاست گذاری های توسعه اقتصاد خلاق

در بررسی تجارب جهانی

۶۳. جدول (۵). انواع برنامه های فرادست مصوب نهادهای قانونگذاری

۱۱۷. جدول (۶). تقسیم بندی صنایع براساس سطوح مختلف فناوری

۱۲۲. جدول (۷). موضوع شناسی صنایع خلاق شاخص نوآوری جهانی

۱۵۵. جدول (۸). طبقه‌بندی صنایع خلاق در مدل DCMS
۱۵۶. جدول (۹). طبقه‌بندی صنایع خلاق در مدل دوایر هم مرکز
۱۵۷. جدول (۱۰). طبقه‌بندی صنایع خلاق در مدل مدل متون سمبولیک
۱۵۸. جدول (۱۱). طبقه‌بندی صنایع خلاق در مدل کپی‌رایت سازمان جهانی حق مالکیت فکری
۱۶۰. جدول (۱۲). طبقه‌بندی صنایع خلاق در مدل یونسکو
۱۶۳. جدول (۱۳). طبقه‌بندی صنایع خلاق در مدل کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل (آنکتاد)
۱۶۷. جدول (۱۴). الگوی پیشنهادی دسته‌بندی صنایع خلاق
۱۷۰. جدول (۱۵). دسته‌بندی تفصیلی انواع فعالیت‌های صنایع خلاق در مدل پیشنهادی
۱۸۱. جدول (۱۶). مقایسه مفهومی دسته‌بندی پیشنهادی با مدل‌های بین‌المللی
۱۹۲. جدول (۱۷). مقایسه الگوی دسته‌بندی پیشنهادی با مدل‌های بین‌المللی

فهرست تصاویر

۲۸. تصویر (۱). مثلث توسعه
۴۸. تصویر (۲). مهم‌ترین اقدامات پنج کشور مورد بررسی برای توسعه اقتصاد خلاق
۵۰. تصویر (۳). سهم صنایع خلاق پنج کشور مورد بررسی در تولید ناخالص داخلی و میزان اشتغال در سال ۲۰۱۹
۵۱. تصویر (۴). شهر بیلباتو
۵۲. تصویر (۵). شهر مدلین
۵۳. تصویر (۶). شهر کاوناس

۵۴. تصویر (۷). شهر تورینو
۵۸. تصویر (۸). ویژگی‌های اقتصاد خلاق
۷۱. تصویر (۹). ردپای قوانین زیر در برنامه‌های فرادست مصوّب نهادهای
قانون گذاری
۸۵. تصویر (۱۰). خلاقیت
۸۶. تصویر (۱۱). شرایط بروزخلاقیت بر اساس مدل نظام‌مند اسکیزمیهای
۸۹. تصویر (۱۲). عوامل مؤثر بر خلق محصول / خدمت خلاق در یک نگاه
نظام‌مند
۹۰. تصویر (۱۳). فرایند نوآوری
۹۲. تصویر (۱۴). ارتباط میان تقاضا، نوآوری پایدار و نوآوری مختل کننده
۹۵. تصویر (۱۵). خلاقیت، نوآوری و تخریب خلاق
۱۰۰. تصویر (۱۶). اجزای فرهنگ
۱۰۲. تصویر (۱۷). انواع دانش
۱۰۳. تصویر (۱۸). ارتباط داده، اطلاعات، دانش، خرد
۱۰۴. تصویر (۱۹). انواع فناوری
۱۰۵. تصویر (۲۰). هنر، فرهنگ و دانش
۱۰۸. تصویر (۲۱). ارزش کل اقتصادی کالا و خدمات فرهنگی- هنری
۱۰۹. تصویر (۲۲). ویژگی صنایع فرهنگی- هنری
۱۱۳. تصویر (۲۳). ویژگی‌های اقتصاد دانش
۱۱۸. تصویر (۲۴). موج‌های نوآوری و طول عمر تغییر فناوری
از سال ۱۷۸۵ تا ۲۰۲۰
۱۲۱. تصویر (۲۵). مفهوم اقتصاد خلاق
۱۲۹. تصویر (۲۶). تاریخ عقاید اقتصاد
۱۳۱. تصویر (۲۷). تاریخ عقاید اقتصاد خلاق

۱۴۹. تصویر (۲۸). صاحب نظران منتخب اقتصاد خلاق از ۱۹۶۶ تا کنون

۱۵۶. تصویر (۲۹). مدل دواير هم مرکز

۱۶۵. تصویر (۳۰). مقایسه سه مدل دسته بندی صنایع خلاق آنکتاد، یونسکو و WIPO

۱۶۶. تصویر (۳۱). الگوی دسته بندی صنایع خلاق

۱۸۰. تصویر (۳۲). مقایسه دسته بندی پیشنهادی صنایع خلاق با مدل های آنکتاد،

یونسکو و WIPO

۱۹۹. تصویر (۳۳). تفاوت دسته بندی پیشنهادی با شش مدل بین المللی

دسته بندی صنایع خلاق

فرهنگ، هنر و دانش پیشران اقتصاد خلاق

مقدمه‌ای بر کتاب «اقتصاد خلاق»

لادن حیدری؛ معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

توسعه اقتصاد خلاق به مثابه رویکردی نوین در شرایط کنونی با دقت نظر سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان ملی، می‌تواند فرهنگ، هنر و دانش را به عنوان پیشران اقتصادی کشور مورد توجه قرار دهد. ضرورت اتخاذ رویکرد مناسب در این باره با رصد دگرگونی‌های رو به رشد در جغرافیای اقتصاد خلاق به ویژه در حوزه کشورهای آسیایی و جهان اسلام نمایان خواهد شد. تحلیل و بررسی الگوهای اقتصادی در کشورهای چین، کره جنوبی، ترکیه، مالزی، قطر و... ما را از میزان سرمایه‌گذاری‌ها در اقتصاد خلاق و سهم اقتصادی بخش فرهنگ این کشورها از بودجه عمومی و بلندای فاصله‌ای که با آنها داریم، آگاه می‌کند. درحالی‌که بسیاری از کشورهای جهان به شتاب و با تخصیص کافی منابع برای تبدیل شدن به مقاصد فرهنگی دلپذیر، رشد صنایع فرهنگی و خلاق را در زمره مهم‌ترین راهبردهای خود قرار داده‌اند؛ توسعه صنایع فرهنگی در کشور ما همچنان فراموش شده و مهجور است.

رواج ادبیات ترجمه با موضوع اقتصاد فرهنگ و هنر در مراکز علمی و دانشگاهی، نقصان فعالیت‌های علمی زمینه‌ساز تولید ادبیات بومی و نیز خلاءهای دانشی و اطلاعاتی از عوامل عمده ناآشنایی برنامه‌ریزان با صنایع فرهنگی و خلاق است. کشور ما اکنون نیازمند بازخوانی قوانین، روزآمدسازی ساختارهای دولتی و رویکردهای نوشونده در اقتصاد خلاق و مدیریت درآمدهای غیرنفتی است. از این رو برداشتن گام‌های استوار برای راه یافتن به جرگه کشورهای صادرکننده محصولات و خدمات فرهنگی و خلاق اکنون به قدرت نافذ و ته‌ور مدیریتی نیاز دارد.

در جهان پیش‌رو، سرمشق‌های نوین توسعه از ارتباط بین فرهنگ و اقتصاد در حال ظهور است که نقطه عطف آن توسعه صنایع فرهنگی و خلاق است. در کشور ما که قدرت با فرهنگ معنا می‌شود و شکل می‌گیرد، سیاست‌گذاران نه تنها نمی‌توانند در قبال تحولات جهانی در این عرصه بی‌توجه باشند، باید به این ادراک هم برسند که فرهنگ، هنر و دانش در عصر کنونی ابزار مؤثرتری برای تغییرات اقتصادی به دست می‌دهد. اکنون تولیدات جوامع فرهنگی در جهان چنان شگفتی‌ساز است که با شیوه‌های گوناگون، موجب نشاط و رونق زندگی و افزایش خروجی اقتصادی کشورها می‌شود. شناخت هنر و فرهنگ به عنوان دارایی ملت ایران می‌تواند قدرت فرهنگی این ملت را که در طول زمان ایجاد شده است، به قدرتی اقتصادی نیز تبدیل کند. چشم بستن بر رشد شتابان صنایع فرهنگی و خلاق در کشورهای پیشرفته به معنای چشم بستن بر واقعیتی اقتصادی و محروم کردن کشور از این بازار و ظرفیت تأثیرگذار است. تردید نباید داشت که برای تحول اقتصادی کشور، نیازمند اقتصادی خلاق، پویا، پایدار و بلندپروازانه‌ایم. در این مسیر هم‌زمان با نقادی، اندیشه‌ورزی

و تولید ادبیات و اطلاعات، باید برای ایجاد بسترهای قانونی و ساختارهای مناسب نیز کوشش و همت شکل گیرد.

بی‌تردید توسعه بخش فرهنگی و خلاق و افزایش سهم اقتصاد خلاق از درآمد ملی، موجب برانگیختن اراده برای رشد اقتصادی با بهره‌گیری از ظرفیت اقتصادی هنر و فرهنگ، بازسازی روحیه و پرورش نوآوری ملی، رشد ارزش افزوده و رونق تولید داخلی نیز خواهد شد.

در جهان امروز باید با محیط جدیدی سازگار شد که در آن فرهنگ و فناوری جریان اصلی تفکر توسعه اقتصادی را به ارمغان آورده است. با نگاهی به داده‌های ارزنده و رو به رشد اقتصادی در سطح جهان می‌توانیم تصویر روشن و گسترده‌ای از زیست‌بوم اقتصاد خلاق در آینده نزدیک را رصد کنیم و تشخیص دهیم که دستیابی به مزیت‌های این گونه اقتصادی در گرو حمایت از صنایع فرهنگی و خلاق کشور است. نهال اقتصاد خلاق با نوسازی ساختارهای مهم دولتی و حضور مؤثر طبقه خلاق تناور می‌شود و وجود سرمایه‌های اصیل تاریخی و فرهنگی این آرمان را دسترس پذیر خواهد کرد. پرورش نهال اقتصاد خلاق و رسیدن به چشم‌اندازهای شوق برانگیز افزایش ثروت ملی از این طریق، نیازمند پالایش مستمر راهبردهای اقتصادی مبتنی بر شواهد جهانی و منطقه‌ای است. تاکنون نتوانسته یا نخواسته‌ایم که دورنمای دقیق اقتصادی از عملکرد صنایع فرهنگی و خلاق در ایجاد ارزش اقتصادی را ترسیم کنیم؛ چراکه اقتصاد فرهنگ و هنر در برنامه‌ریزی‌های توسعه مغفول بوده است و در دسترس نبودن متون علمی و نظری با رویکردهای بومی نیز امکان مطالعه تطبیقی و کمی میان اقتصاد خلاق و اقتصاد ملی و درک پویایی اقتصاد فرهنگ و هنر برای برنامه‌ریزان را فراهم نیاورده است. به هر میزان که اقتصاد فرهنگ و هنر رشد کند و سهم بیشتری از تولید ناخالص داخلی داشته باشد، اجزای آن هم رشد می‌یابند و این رشد نیز نوعی هم‌افزایی چندباره را رقم خواهد زد. اکنون در جهانی به سر می‌بریم که براساس داده‌های معتبر، رشد صنایع فرهنگی و خلاق در حال فاصله گرفتن از دیگر صنایع است و تحلیلگران اقتصادی بیان می‌کنند که این صنایع می‌توانند پیش‌ران توسعه اقتصادی در بسیاری از کشورها باشند. با توجه به بسیاری از نمونه‌های موجود در شهرهای خلاق جهان و نیز اقتصادهای ملی رو به رشد، می‌توان پذیرفت که اکنون توسعه از راه اقتصاد فرهنگ و هنر به دلیل مشارکت جمعی میسر است.

اقتصاد خلاق با کشف روابط علی بین فرهنگی، هنر، دانش و اقتصاد و ارائه مدل‌های کارآمد توسعه پایدار، راه را برای رونق و شکوفایی اقتصادی هموار می‌سازد. توجه به کیفیت و بُعد اقتصادی فعالیت‌های فرهنگی و هنری، افزون بر ارتقای بهره‌وری صنایع خلاق به رواج بیشتر نظام ارزش‌های دینی و فرهنگی کشور نیز منجر می‌شود و هم‌وردی فرهنگ ایرانی-اسلامی را با فرهنگ‌های دیگر ممکن می‌سازد. برنامه‌ریزی برای رونق صنایع خلاق، نیازمند تحلیل و ارزیابی وضع موجود و شناخت ظرفیت گونه‌های صنایع خلاق است و لزوم دسترسی به داده‌های آماری دقیق و جامع از قابلیت‌ها و مزیت‌های این صنایع، امری

ضروری و انکارناپذیر است. تحلیل مزیت و عملکردها زمانی سودمند است که الگوی‌های صنایع خلاق در چارچوب‌های دقیق و استاندارد با مبانی نظری دقیق، بیان و بومی‌سازی شده باشد. تدوین و انتشار منابع علمی دست-اول با موضوع صنایع خلاق، موجب ارتقای دانش و آگاهی متولیان دولتی و طبقه خلاق کشور خواهد شد.

با بیان مسرت و خرسندی، نخستین جلد از مجموعه کتاب «اقتصاد خلاق» نمونه‌ای از کوشش علمی با نگاهی اقتصادی و رویکردی توسعه‌محور است که بر فرهنگ، هنر و دانش بنیان شده است.

پیش‌گفتار

شاید نخستین باری بود که به عنوان يك اقتصاد‌خوان- نه يك اقتصاددان- در سال ۱۳۸۷ به دانشگاه هنر اصفهان وارد شدم و نه تنها برای بیشتر هنرمندان، استادان و دانشجویان هنر که در نظر خانواده و آشنایان نیز امری غیرمعمول بود. در آن سال‌ها به خوبی به یاد دارم که مهم‌ترین و بیشترین پرسش از من در این زمینه آن بود که تو را چه به هنر و مگر دانش‌آموخته رشته‌های علوم انسانی و از جمله اقتصاد هم می‌تواند وارد دانشگاه هنر شود؟ پرسش‌هایی از این دست که البته برخی هم درست و به جا بود. در آن زمان نمی‌توانستم پاسخی روشن و کامل به آن‌ها بیان کنم و طی این سال‌ها فقط تلاش کردم که با دانش‌اندکم- با وجود اینکه از محضر استادان گرانقدر بهره‌ها گرفته‌ام- به این فکر کنم که چگونه می‌توان کاری برای هنر و هنرمند انجام داد؟ به عبارتی بهتر، با رشته اقتصاد چگونه می‌توان حال مخاطبان هنر به خصوص هنرمندان را بهبود بخشید و خوش‌تر کرد و چگونه می‌توانم- هرچند اندک- خانه‌های مخاطبانم را با هنر روشن سازم؟

با گذشت دو سه سال و با انجام چند مطالعه و به خصوص انجام طرح مطالعه و تهیه سند آمایش سرزمین در حوزه گردشگری و هنر و بررسی اسناد بالادستی توسعه کشور نظیر سند چشم‌انداز بیست‌ساله توسعه و اسناد برنامه‌های توسعه پنج‌ساله و نیز مطالعه برخی اسناد توسعه‌ای کشورهای مختلف به خوبی دریافتم که صنایع خلاق در رسته‌های متنوع هنری، فرهنگی و دانشی می‌تواند مزیت اصلی اقتصاد ایران باشد؛ حتی با وجود نفت و از یک طرف با توجه به پایان پذیر بودن ذخایر نفتی و چشم‌انداز مبهم بازار آن در سال‌های آینده و از طرف دیگر، ظرفیت‌های چشمگیر ایران در سه بخش هنر، فرهنگ و دانش همچون تمدن چند هزارساله، میراث فرهنگی ملموس و ناملموس نمادین، تنوع و کثرت اقوام ایرانی و دانش‌آموختگان مراکز آموزش عالی و استعداد‌های خلاق انسانی و سایر ظرفیت‌ها فرصت‌های شگرفی از مقیاس خرد تا کلان برای توسعه صنایع خلاق را ایجاد کرده است که صنایع خلاق را بهترین جایگزین برای اقتصاد نفت معرفی می‌کند. برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران کلان کشور از هم‌اکنون باید در راه خلق ثروت از این صنایع و توسعه اقتصادی کشور از این منبع پایان‌ناپذیر تدبیرهای راهبردی بیندیشند. اما از آنجا که توسعه صنایع خلاق و به دنبال آن اقتصاد خلاق بدون وجود نیروی انسانی متخصص و آموزش دیده در این حوزه امکان‌پذیر نیست؛ وجود متخصصانی که توان تلفیق فرصت‌های توسعه صنایع خلاق و مزیت‌های اقتصادی کشور را داشته باشند، جزء مأموریت اصلی رشته اقتصاد خلاق بود که در آن زمان در ذهن داشتم و نیمه اول گمشده خویش و به وقوع پیوستن عملی آرزوی سال ورودم به دانشگاه هنر اصفهان را در این راه و رشته دیدم.

البته ذکر این نکته ضروری است که در آخرین دهه قرن بیستم، «اقتصاد خلاق» جایگزین اقتصاد فرهنگ و هنر شد و این زمانی بود که مجامع فکری تلاش می‌کردند به تعریفی مشترک از مفهوم صنایع فرهنگی برسند که در سال ۱۹۹۴ میلادی، واژه صنایع خلاق را برخی از برنامه‌ریزان بخش فرهنگ و اقتصاد در استرالیا استفاده کردند. پیدایش و ابداع واژه

۱. در این مجموعه پنج جلدی صنایع خلاق به سه دسته هنرمینا، فرهنگ‌مینا و دانش‌مینا تقسیم می‌شود. برای همین صنایع خلاق از صنایع فرهنگی و صنایع هنری از صنایع هنری و به دنبال آن اقتصاد خلاق از اقتصاد فرهنگ و اقتصاد فرهنگ از اقتصاد هنر بزرگ‌تر است.

۲. سند با استفاده از رهنمودهای مقام معظم رهبری، اسناد بالادست توسعه کشور، طرح جامع علمی کشور و نیز سیاست‌های ابلاغی وزارت علوم تهیه شد که می‌توان آن را در قالب سه محور اساسی ارزش‌مداری (دین، فرهنگ و ارزش‌های اخلاقی در هنر)، کارآفرینی (اقتصاد، مدیریت و کارآفرینی در هنر) و دانش‌محوری (دانش‌محوری) بر پایه خلاقیت و با تأکید بر تقویت توانایی‌های علمی- مهارتی در هنر خلاصه کرد که در مجموع این سه محور، چهار شاخص روزآمدی، کارآمدی، اسلامی و بومی سازی و دوازده زیر شاخص فرعی در نظر گرفته شد. سپس دانشگاه هنر اصفهان تعدادی از برنامه‌های رشته‌های هنر را بر اساس الگوی فوق تدوین و یا بازنگری کرد. برای عملیاتی کردن هر محور، سه کار اساسی شکل گرفت: اول، اضافه کردن يك تادو درس به تمام رشته‌های موجود هنر، دوم طراحی رشته‌هایی جدید برای هر محور و سوم، ایجاد دانشکده مرتبط با رشته‌های همان محور.

صنایع خلاق به دو منظور مهم بود: نخست اینکه از مفهوم صنایع فرهنگی، بار معنایی منفی همچون ابتدال فرهنگی برداشت می‌شد که نظریه‌پردازانی مانند آدورنوا آن را نقد کردند و مهم‌تر اینکه واژه صنایع خلاق این گنجایش را داشت که پاره‌ای از حوزه‌های نوظهور همچون رسانه‌های جدید مبتنی بر وب، بازی‌های رایانه‌ای و حتی فعالیت‌های مبتنی بر تحقیق و پژوهش (R&D) به قصد تولید دانش را نیز دربرگیرد. به‌طور کلی صنایع فرهنگی هنری در مرکز صنایع خلاق و در مرکز اقتصاد خلاق، اقتصاد فرهنگ و هنر قرار دارد. بنابراین استفاده از واژه اقتصاد خلاق بزرگ‌تر و جامع‌تر از اقتصاد فرهنگ و هنر است.^۱ البته بنابر گفتمان شناخته‌تری که اقتصاد فرهنگ و هنر در ایران داشت، به نظر رسید بهتر است برای بسترسازی علمی توسعه اقتصاد خلاق در مجامع علمی از ایجاد رشته اقتصاد فرهنگ و هنر آغاز شود.

در تابستان سال ۱۳۹۰ براساس سند چشم‌انداز رشته‌های هنر که در دانشگاه هنر اصفهان تدوین شده بود، قرارداد تدوین و بازنگری تعدادی از رشته‌های هنر با وزارت علوم، تحقیقات و فناوری منعقد شد^۲ که یکی از این رشته‌ها «اقتصاد فرهنگ و هنر» در مقطع کارشناسی ارشد بود. برای تدوین برنامه این رشته، کمیته‌ای از استادان اقتصاد و هنر تشکیل شد و با برگزاری جلسات متعدد هم‌اندیشی و بررسی سرفصل‌های دانشگاه‌های مختلف جهان تلاش شد برنامه‌ای جامع با شاخص‌های مختلفی به خصوص شاخص‌های روزآمدی، کارآمدی، اسلامی و بومی‌سازی تهیه شود؛ سپس این برنامه در بهمن ۱۳۹۰ برای تصویب به دفتر برنامه‌ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ارسال شد و خوشبختانه در سال ۱۳۹۱ با پیگیری‌های متعدد، مجوز پذیرش دانشجو در این رشته برای دانشگاه هنر اصفهان صادر شد و این رشته با نام اقتصاد فرهنگ و هنر در سال ۱۳۹۶ در سرفصل برنامه‌های مصوب وزارت علوم تحقیقات و فناوری قرار گرفت.

اغراق نیست اینکه مهرماه ۱۳۹۱ نقطه عطفی در تاریخ فرهنگ و هنر کشورمان ایران بود؛ چراکه با ایجاد رشته اقتصاد فرهنگ و هنر در دانشگاه هنر اصفهان مسیری نو در حفظ، احیا و اعتلای فرهنگ و هنر کشور از دریچه اقتصاد خلاق باز شده بود و نوید روزهای روشنی را برای ذی‌نفعان فرهنگ و هنر می‌داد.

رشته اقتصاد فرهنگ و هنر با وجود عمر پانجاه‌و‌اندی ساله‌اش در جهان - از سال ۱۹۶۶ و با نظریه بامول و بوئن- در ایران به گونه علمی، عمری ده‌ساله دارد و در طول این مدت (از ۱۳۹۱ الی ۱۴۰۰) با وجود همه فرازونشیب‌ها و مشکلات، امید واثق دارم از طریق این رشته و ظرفیت دانش‌آموختگان آن و تبدیل آن‌ها به سرمایه‌های انسانی خلاق و با تولید و تکثیر دو سرمایه مهم اجتماعی و نمادین که ویژگی بارز فرهنگ و هنر است، سرآغازی باشد برای تحقق شعار اقتصاد خلاق راهی به سوی اقتصاد بدون نفت؛ و در این مسیر نباید از دوری راه و سختی آن ناامید شد که «اگر در راهی، از دوری مقصد چه باک؛ اگر بیراهه می‌روی، نزدیکی مقصد را چه سود!»

۱. در این مرکز، رویکرد اصلی خلق ارزش (سرمایه سازی) از صنایع خلاق است که بررسی چگونگی این میزان ارزش و خلق ثروت در حیطه اقتصاد خلاق است.

دو مزیت برای دانش‌آموختگان این رشته از سایر مزیت‌ها مهم‌تر است: مزیت نخست گستره و تنوع زیادی است که در حوزه صنایع خلاق وجود دارد؛ به گونه‌ای که طیف وسیعی از انواع کالاها و خدمات هنرمبنا (همچون هنرهای نمایشی، تجسمی، کاربردی و...)، فرهنگ‌مبنا (همچون میراث فرهنگی ملموس و ناملموس، رسانه‌ها و...) و نیز دانش‌مبنا (همچون انواع فناوری‌های مدرن، تحقیق و توسعه، آموزش و...) وجود دارد که همه می‌توانند حوزه مطالعه قواعد و مدل‌سازی اقتصادی قرار گیرد. در این حالت، بررسی قواعد اقتصادی حاکم بر انواع کالاها و خدمات هنرمبنا به نام اقتصاد هنر، قواعد اقتصادی حاکم بر کالاها و خدمات فرهنگ‌مبنا به نام اقتصاد فرهنگ و قواعد اقتصادی حاکم بر کالاها و خدمات دانشی به نام اقتصاد دانش و هر سه رسته، به نام اقتصاد خلاق تعریف می‌شود. دومین مزیت، تعداد اندک متخصصان اقتصادی حوزه صنایع خلاق است که ضرورت پرورش کارشناسان خبره در این عرصه را دوچندان می‌کند.

مباحث و موضوعات این رشته کدامند؟

بیش از دو سده است که از پیدایش علم اقتصاد می‌گذرد و این علم دستخوش تغییرات زیادی در مبانی، مکاتب و تئوری‌های خود شده است. در طول این سال‌ها ده‌ها گرایش از این علم نیز به وجود آمده است؛ گرایش‌هایی که هرکدام به نوعی موضوعات خاصی را هدف و رسالت خویش ساخته‌اند. اقتصاد بین‌الملل، اقتصاد سلامت، اقتصاد کشاورزی، اقتصاد شهری-منطقه‌ای، اقتصاد بخش عمومی، اقتصاد خلاق و چندین گرایش دیگر. اقتصاد خلاق نیز همانند سایر گرایش‌ها به دنبال بررسی ارتباط اقتصاد با صنایع خلاق و کاربری برخی از تئوری‌های علم اقتصاد برای فرهنگ، هنر و دانش است. همچنین این رشته، معرفتی میان‌رشته‌ای است که جنبه‌های اقتصادی این فعالیت‌ها را با استفاده از تئوری‌های علم اقتصاد مطالعه می‌کند و به مجموعه روابطی می‌پردازد که تولید و مصرف کالاهای خلاق (هنری، فرهنگی و دانشی) را در سطح اجتماعی بررسی می‌کند. اقتصاد خلاق با سایر گرایش‌های اقتصاد تفاوت‌های اساسی دارد؛ تفاوت‌هایی از قبیل اینکه کالاها «تجربی هستند»، «جنبه‌هایی از کالاهای عمومی را دارند»، «اخلاقیت از نهاد مهم آنهاست»، «ابزار انتقال پیام‌های نمادین هستند»، «دربرگیرنده مالکیت فکری هستند» و «دربرگیرنده و ایجادکننده انواعی از ارزش‌های غیربازاری هستند». این ویژگی‌ها در سایر کالاهای غیرخلاق و به خصوص غیرهنری فرهنگی یا وجود ندارد یا بسیار کم‌رنگ‌تر است و این ویژگی‌ها سبب شده است که صاحب‌نظران این اقتصاد سه دسته تفکر را ارائه نمایند: دسته‌ای که اعتقاد دارند نظریه‌های اقتصادی توانایی پاسخ‌گویی در هر حوزه‌ای را داراست و آن‌ها اقتصاد خلاق را نیز در راستای سایر گرایش‌ها می‌دانند. دسته‌ای معتقدند که اقتصاد خلاق - به خصوص اقتصاد هنر - اقتصاد استثنایی هنر است و اصلاً نمی‌توان با نظریه‌ها و تئوری‌های علم اقتصاد وارد حوزه فرهنگ و هنر شد و سرانجام اینکه دسته‌ای - مثل نویسندگان - معتقدند غالب تئوری‌های علم اقتصاد را می‌توان در حوزه فرهنگ و هنر به کار بست؛ ولی تئوری‌های بسیار اندکی نیز وجود دارد که در این حوزه ناکارآمدند و باید نظریه‌ها و تئوری‌های جدیدی از آن‌ها به وجود آورد که قابل کاربرد در این حوزه باشند و

شاید به همین دلیل است که بیشتر محققان برجسته و ممتاز اقتصاد فرهنگ و هنر، دارای تحصیلات اقتصاد، حداقل در مقطع دکتری، هستند.

با این حال، بعد از تولد این رشته و برای تکمیل چرخه «ایده تا عمل» ضرورت داشت از یک سو بستری برای ایجاد فرصت‌های کارآفرینی دانش‌آموختگان این حوزه مهیا شود و از سوی دیگر بستری برای گفتمان اقتصاد خلاق و ارائه مشاوره به نهادهای دولتی سیاست‌گذار در راستای تحقق شعار اقتصاد خلاق جایگزین اقتصاد نفت و بهره‌مندی از یک منبع پایان‌ناپذیر به جای یک منبع پایان‌پذیر در کشور در نظر گرفته شود؛ از این رو نیمه دوم گمشده خویش را دیدم. بعد از برگزاری چند دوره موفقیت‌آمیز جشنواره نروزی «روشن خانه» در دانشکده کارآفرینی هنر و گردشگری دانشگاه هنر اصفهان و نیز پس از اخذ مجوز قطعی رشته و تأسیس انجمن علمی «اقتصاد فرهنگ و هنر ایران» تولدی دیگر رخ داد و با هدف تبدیل نیروهای انسانی به سرمایه‌های انسانی خلاق و انجام تحقیق و توسعه (R&D) در فرهنگ و هنر و تجاری‌سازی آن با همنشینی دانش، مرکزی خصوصی و تخصصی در زمینه اقتصاد خلاق بنا نهادم که تبلور باغ سرمایه‌های خلاق ایران^۱ باشد.

با شروع به کار این رشته و این مرکز تخصصی، به نظر می‌رسد کمبودی اساسی و زیربنایی به چشم می‌آید و آن، نبود منابع معتبر و مستند برای دانشجویان، سیاست‌گذاران و تمام علاقه‌مندان این عرصه از یک طرف و از طرف دیگر مستندسازی و شکل‌گیری سازکار علمی به اجرایی و مهم‌تر از همه آزمون این تئوری‌ها در عمل است. البته با وجود اینکه پژوهش‌های مناسبی در این زمینه از دهه هفتاد تا کنون انجام گرفته و نیز برخی کتاب‌های مفیدی چاپ شده است، دو مشکل عمده در اغلب این پژوهش‌ها به چشم می‌خورد؛ اول اینکه بیشتر آن‌ها ترجمه است و در برخی موارد با مثال‌های غربی به کار رفته است که معمولاً سختی با فرهنگ ایرانی ندارد؛ دوم اینکه این منابع از منظر همه رشته‌های اقتصاد خلاق (هنر، فرهنگ و دانش) به این جامعیت و به خصوص کاربردی بررسی نشده است. برای پاسخ به این مسئله، براساس تجربه ده سال تدریس دروس رشته اقتصاد فرهنگ و هنر و نیز دروس مختلفی همچون اقتصاد هنر، اقتصاد خلاق، شهرهای خلاق، اقتصاد فرش، اقتصاد صنایع دستی، جایگاه هنرهای اسلامی در بازار، اقتصاد موزه و ... برای دانشجویان رشته‌های مختلف هنر و نیز تجربه راهنمایی و مشاوره پایان‌نامه‌های دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری، تصمیم به تألیف مجموعه کتاب‌های اقتصاد خلاق گرفتم. بدین منظور منابع بسیار زیادی از منابع دسته اول برگرفته از پایگاه‌های تخصصی اطلاعاتی بین‌المللی و نیز مجله معتبر اقتصاد فرهنگی شناسایی، بررسی و تحلیل شد و سرانجام تألیف ادبیات تخصصی اقتصاد خلاق در پنج جلد برای سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۴ برنامه‌ریزی شد.

در این مجموعه پنج جلدی و در جلد یک، دسته‌بندی پیشنهادی صنایع خلاق ارائه می‌شود. در جلد دوم به پیشینه نظری اقتصاد خلاق و مبانی و اصول این اقتصاد برای صنایع خلاق پرداخته می‌شود. در این جلد مفاهیمی همچون عرضه، تقاضا، بازار و تعادل برای انواع گونه‌های صنایع خلاق بررسی می‌شود. جلد سوم براساس یک نظریه ابداعی تجاری‌سازی، انواع گونه‌های صنایع خلاق تشریح می‌شود. در جلد چهارم و پنجم نیز اقتصاد انواع صنایع خلاق همچون اقتصاد هنرمبنا، اقتصاد فرهنگ‌مبنا و اقتصاد دانش‌مبنا بررسی

خواهد شد. جلد پیش رو به یکی از اساسی‌ترین مشکلات و چالش‌های اقتصاد خلاق می‌پردازد.

در حال حاضر مفهوم هنر، فرهنگ، صنایع فرهنگی، صنایع خلاق و... به صورت دقیق مشخص نیست و نیز اینکه مشخص نیست حوزه صنایع خلاق شامل چه کالاها، خدمات، محصولات، صنایع و مشاغل است و مهم‌تر اینکه چون این تعاریف مشخص نیست، امکان برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری شفاف برای متولیان نیز وجود ندارد و با توجه به ظرفیت‌ها و پتانسیل بومی کشور، دسته‌بندی پیشنهادی این جلد برای ایران مفید و قابل اجراست. این جلد دارای سه فصل است که در فصل اول به اهمیت و ضرورت اقتصاد خلاق و در فصل دوم به مفاهیم و تاریخ عقاید اقتصاد خلاق و سرانجام در فصل سوم به ارائه الگوی دسته‌بندی صنایع خلاق می‌پردازد.

در پایان شایسته است از سه معلم و الگو که در انتخاب و روشنایی مسیر زندگی علمی‌ام نقش اساسی و یگانه‌ای داشته‌اند، مراتب سپاس و قدردانی خویش را تقدیم حضورشان می‌کنم؛ دکتر نعمت‌اله اکبری و دکتر محسن رنایی که با وجود بهره‌مندی از راهنمایی‌ها و مشاوره‌های این دو عزیز در طول حدود سه دهه هنوز هم نیازمند دانش و اخلاق ایشانم و هنوز هم نتوانسته‌ام حتی بخش کوچکی از زحمات آنها بابت رشد و بالیدنم را پاسخی درخور بدهم و همیشه وامدار ایشانم و نیز دکتر فرهنگ مظفر- رئیس دانشگاه هنر اصفهان در سال‌های ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۴- که بی‌شک اگر دوران‌دیشی و بزرگ‌منشی ایشان در مدیریت دانشگاه هنر اصفهان نبود، قطعاً چنین بستری شکل نمی‌گرفت و از ایشان بابت این تفکر نوین و خلاق به هنر، از دریچه اقتصاد، مدیریت و کارآفرینی صمیمانه سپاسگزارم. از این سه بزرگ‌مرد سه گنجینه تعهد، صداقت و دوران‌دیشی را به عنوان سه راز بزرگ یاد گرفتم و همیشه از درگاه خداوند متعال خواسته‌ام که امانت‌دار خوبی برای این سه راز باشم و این سه راز می‌تواند سرآغازی برای مرگ واقعی قبل از مرگ طبیعی باشد. ان شاءالله.

همچنین جا دارد از زحمات همکاران بسیار خوبم دکتر سیده هما مؤذن جمشیدی و دکتر رضا نصر اصفهانی قدردانی کنم که هم‌دوش با این جانب از همان سال ۱۳۹۱ تاکنون و علیرغم همه سختی‌ها، متعهدانه و باعشق در انجام امور معلمی پیشتاز و بی‌همتایند و از وجود چنین همکارانی بر خود می‌بالم. همچنین از سایر همکارانم برای تدریس برخی از دروس و راهنمایی و مشاوره‌های پایان‌نامه‌های دانشجویان این رشته در این سال‌ها و نیز از تمامی دانشجویان اقتصاد فرهنگ و هنر به ویژه دانشجویان ورودی ۹۱ که با تمام کاستی‌ها و با صبر و حوصله و تلاش در راه کسب علم و توسعه این رشته کوشیده‌اند، صمیمانه سپاسگزارم.

اما مهم‌ترین و مؤثرترین کمک و همراهی برای نوشتن این مجموعه به کمک بهترین و متعهدترین دانشجویم انجام گرفت؛ خانم هاجر ناصری اصفهانی که ایشان از یک طرف، با انجام رساله دکتری خود- مبدع نظریه 4C - بخش زیادی از جلد سوم را تدوین خواهند کرد و از طرف دیگر هم در اجرا و پیاده‌سازی نظریه 4C با هدف توسعه صنایع خلاق به عنوان هم‌اثر در رسالت بزرگی که بر دوش دارم، مرا همراهی می‌کند. همچنین از سرکار خانم مرضیه فتاحی بسیار قدر دانم که در این چندسال با تعهد مثال‌زدنی‌اش در این مسیر به ما کمک کرد. همچنین معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به خصوص

مدیر دفتر توسعه اقتصاد فرهنگ و هنر آن معاونت، سرکار خانم افسر موموندی، در حمایت از این مجموعه کتاب، به خصوص برای جلد اول، نقش ویژه‌ای داشتند که از آن‌ها برای همه حمایت‌های مادی و معنوی صمیمانه قدر دانم.

اما اعتراف می‌کنم که بزرگ‌ترین نعمت و عنایت ویژه‌ی پرودگار در داشتن همسر و دو فرزند است که رزق، برکت و آرامش را برای بنده به ارمغان آوردند و از این بابت خدا را شاکرم. شوق و توان لازم برای نوشتن و فکر کردن را از آن‌ها گرفتم و به آن‌ها مدیونم و پاسدار لطف ایشان هستم که در طول این سال‌ها که صرف ایجاد رشته اقتصاد فرهنگ و هنر و نیز تدوین مجموعه کتاب‌های اقتصاد خلاق شد، حقوق زیادی برگردنم باقی مانده است و خواهد ماند. از آنان برای حقوق بر زمین مانده‌شان پوزش می‌خواهم و به پاس همراهی‌هایشان صمیمانه سپاسگزارم.

تلاش شده است این مجموعه به زبان ساده نوشته شود که علاوه بر دانشجویان اقتصاد فرهنگ و هنر، برای سایر علاقه‌مندان و دانشجویان و برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران حوزه صنایع خلاق نیز مفید و کارا باشد. سرانجام روشن است که بخشی از بحر که در کوزه می‌آید، دیگر دریا نیست و دست‌کم شکلی تازه دارد. بنابراین طبیعی است که مسئولیت تمامی کاستی‌های این نوشته صرفاً بر عهده نگارنده است و بس. امید که خوانندگان ارجمند با تذکر این کاستی‌ها و نقایص بر نگارنده منت گذارند و سبب رشد و شکوفایی این رشته و علم نوپا شوند.

رسول بیدرام، عضو هیئت علمی دانشگاه هنر اصفهان

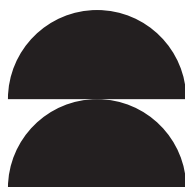
مجموعه پنج جلدی اقتصاد خلاق



جلد اول

اقتصاد خلاق، مفاهیم و تعاریف

- ضرورت و اهمیت توسعه اقتصاد خلاق
- مروری بر ادبیات اقتصاد خلاق
- دسته بندی پیشنهادی صنایع خلاق



جلد دوم

اصول و مبانی اقتصاد خلاق

- تقاضا و کشش کالاها و خدمات خلاق
- هزینه های تولید
- مفهوم بازار برای کالاها و خدمات خلاق
- عرضه کالاها و خدمات خلاق
- تعادل عرضه و تقاضای کالاها و خدمات خلاق
- حقوق مالکیت فکری کالاها و خدمات خلاق
- نظریه های ارزش و ارزشگذاری کالاها و خدمات خلاق
- امکان سنجی و مطالعات بازار پروژه های هنری، فرهنگی و خلاق
- حمایت دولت از کالاها و خدمات خلاق
- شیوه های مشارکت و تأمین مالی کالاها و خدمات خلاق
- مسئله شناسی اقتصادی کالاها و خدمات خلاق



جلد سوم

اقتصاد خلاق، مفاهیم و تعاریف

• ارائه نظریه 4C برای توسعه اقتصاد خلاق



جلد چهارم و پنجم

اقتصاد خلاق، مفاهیم و تعاریف

- اقتصاد کالاها و خدمات هنرمینا
- اقتصاد کالاها و خدمات فرهنگ مبنا
- اقتصاد کالا و خدمات دانش مبنا

